

تجلی امام عصر علیه السلام در آینه شعر معاصر عربی

محسن سنیفی*

اسما سلطانی فرد**

چکیده

اعتقاد به ظهور منجی و مصلحی جهانی، امری فطری، عقلی و دینی است که از آرمان‌های مشترک بیشتر ادیان و مذاهب دنیا به شمار می‌رود. اندیشه اعتقاد به منجی موعود مسلمانان، مهدی منتظر علیه السلام _ همو که قیام و دعوتی جهانی دارد و برای نجات بشر می‌آید _ در آینه شعر نیز نمایان شده و بر این اساس، مهدویات _ که یکی از موضوعات شعری شیعی به شمار می‌آید _ گستره وسیعی از ادبیات شیعی را در دوره‌های گوناگون فراگرفته است. شاعران معاصر عربی نیز در شعر خود ارادت خالصانه خویش را به محضر امام عصر علیه السلام اظهار داشته‌اند و در زمینه‌ها و موضوعات گوناگون درباره آن حضرت به سرایش پرداخته‌اند.

این نوشتار بر آن است تا به بررسی اشعار برخی از شاعران معاصر عربی در زمینه مهدویت بپردازد و بازتاب مفاهیمی همچون غیبت، بهره‌مندی مردم از امام غایب، انتظار، دادخواهی، دعوت به قیام و برپایی حکومت عدل را در اشعار آنان تبیین و تحلیل کند.

واژگان کلیدی

امام عصر علیه السلام، غیبت، انتظار، شعر معاصر عربی، قیام.

مقدمه

اعتقاد به ظهور نجات‌بخش جهانی در میان همه انسان‌ها به صورت‌های گوناگون دیده می‌شود. همه در درون خود انتظاری را احساس می‌کنند؛ انتظار این که از وضع موجود به در آیند و به وضعی ایده‌آل دست یابند. این اعتقاد کهن در فطرت انسان و در دعوت تمامی پیامبران ریشه داشته و در ادیان مختلف به شکل‌های گوناگون معرفی شده است؛ زرتشتیان در انتظار سوشیانت، یهودیان در انتظار ماشیح، مسیحیان در انتظار مسیح و مسلمانان چشم به راه مهدی علیه السلام هستند.

بشارت موعود، امری فطری، دینی و عقلی در تاریخ بشر به شمار می‌آید و همه در انتظار موعودی به سر می‌برند تا به پا خیزد و جهان را از قسط و عدالت فراگیر، سرشار سازد. منجی موعود مسلمانان،

* استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان (motaseifi2002@yahoo.com)

** کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی.

مهدی منتظر^{علیه السلام} است؛ همو که برای نجات بشر از ظلم و تجاوز ستمکاران و متجاوزان می‌آید تا به پیکار با ظالمان برخیزد و یاور مظلومان باشد. اندیشه اعتقاد به منجی در شعر نیز نمایان شده است و بر این اساس یکی از موضوعات شعر شیعی، مهدویات است.

در این نوشتار برآنیم تا به بررسی اشعار شاعران معاصر که درباره مهدویت سروده شده پردازیم و آن را از جوانب گوناگون مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم.

جشن میلاد امام عصر^{علیه السلام} _ که از اعیاد بزرگ و خجسته اسلامی است _ همواره مورد توجه شاعران بوده و در این موضوع به سرایش اشعار پرداخته‌اند. مسئله غیبت و انواع آن و فواید آن نیز از جمله مواردی است که شاعران در خلال اشعارشان به آن اشاره کرده‌اند. شاعران همواره از سرگردانی و رنجوری خویش در عصر غیبت سخن به میان می‌آورند و در فراق مولایشان ندبه سر می‌دهند. در خلال اشعار شاعران، مسئله چگونگی بهره‌مندی مردم از امام عصر^{علیه السلام} _ که در روایات به آن اشاره شده است _ نیز به چشم می‌خورد.

شاعران بی‌آن که امید از کف دهند از اشتیاقشان برای دیدار امام عصر^{علیه السلام} سخن می‌گویند و در انتظار روزی به سر می‌برند که در آن هیچ ستم و تبعیض و تعدی نیست. آنان بی‌صبرانه چشم به راه تحقق حق و عدل هستند.

شاعران معاصر شیعی _ که هنوز داغ بزرگ ماجرای عاشورا را بر سینه دارند _ در اشعارشان ظهور حضرت^{علیه السلام} و خون‌خواهی خون‌جدش امام حسین^{علیه السلام} را خواستارند.

از دیگر موضوعاتی که در اشعار شاعران این عصر به چشم می‌خورد، شکایت از وضع موجود و اشاره به حقوق مسلوبه شیعیان است. از این‌رو شاعران ملتمسانه از خداوند منان، تعجیل در فرج مولایشان را طلب می‌کنند تا به پا خیزد و ظلم و جور را از بن برکند، عدالت آسمانی را برپا کند، حکومت خدایی را بنیان نهد و دولت قرآن را زنده نماید.

اعتقاد به منجی

پیروان همه ادیان عقیده دارند که در یک عصر تاریک و بحرانی جهان _ که فساد و بیدادگری و بی‌دینی همه‌جا را فراگرفته است _ نجات‌دهنده‌ای بزرگ ظهور می‌کند و با نیروی فوق‌العاده غیبی خود اوضاع آشفته جهان را اصلاح می‌کند و خداپرستی را بر بی‌دینی و مادی‌گری غلبه می‌دهد (امینی، 1379: 66).

عقیده مذکور از مصدر وحی سرچشمه گرفته است؛ زیرا از نویدهای پیامبران الهی در طول تاریخ بشر به مردم مؤمن و آزادی‌خواه جهان است. اعتقاد به منجی، امری فطری و درونی است؛ یعنی هر انسانی به طور طبیعی خواهان برقراری حکومت حق و عدل و برقراری صلح و آرمش است. مردم با همه اختلاف‌هایشان در عقیده و مذهب، دریافته‌اند که برای انسانیت در روی زمین، روز موعودی خواهد بود که با فرارسیدن آن، هدف نهایی و مقصد بزرگ رسالت‌های آسمانی تحقق می‌یابد و مسیر آن _ که در طول تاریخ، پر از فراز و نشیب و پرتگاه بوده است _ به دنبال رنجی بسیار، همواری و استواری لازم را می‌یابد (صدر، 1398: 13). حتی این امر را در بین مردم غیرمذهبی و جوامع ماتریالیستی _ با این که تنها تکیه‌گاهشان واقعیت است و به غیر آن چه در جهان خارج وجود داشته و قابل لمس علمی است نمی‌اندیشند _ نیز می‌بینیم. همه و همه در دل خود انتظاری را احساس می‌کنند؛ انتظاری که از وضع موجود به درآیند و به وضعی ایده‌آل و موردنظر دست یابند (قائمی، بی‌تا: 15).

اعتقاد به مهدی موعود در آینه شعر عربی تا پیش از دوره معاصر اندیشه اعتقاد به منجی موعود در شعر _ که آینه تمام‌نمای افکار و اندیشه‌های ملل است _ نیز نمودار شده است. بر این اساس، از جمله موضوعات شعر شیعی، مهدویات است. مهدویات به مجموعه قصاید و قطعات شعری اطلاق می‌شود که به موضوع اعتقاد به مهدی علیه السلام و استنهای آن حضرت می‌پردازد (سیاحی، 1385: 65). سخن از امام عصر علیه السلام و ظهور ایشان در خلال اشعار شاعران به سال‌ها پیش از ولادت آن حضرت بازمی‌گردد.

کمیت بن زید اسدی در ضمن اشعاری _ که در محضر امام محمد باقر علیه السلام و در رثای شهیدان کربلا سروده است _ به صراحت از ظهور مهدی علیه السلام و برپایی دولت حق ایشان خبر می‌دهد:

مَتَى يَقُومُ الْحَقُّ فَيَكُمُ يَقُومُ مَهْدِيكُمْ الثَّانِي

(اسدی، 2000: 557)

ترجمه: «چه موقع حق در میان شما حکم‌فرما می‌شود؟ و چه موقع مهدی دوم شما قیام خواهد کرد؟»

دعبل خزاعی نیز در تائیه مشهور خویش _ که آن را در رثای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام سروده است _ از خروج امامی خبر می‌دهد که بر اساس عدالت حکم خواهد کرد:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَامِحَالَةَ خَارِجٍ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ

يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ وَيَجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ

(خزاعی، 1972: 65)

ترجمه: «امید من به خروج امامی است که حتماً ظهور می کند و به نام خدا همراه با انواع برکت‌ها قیام می کند.

حق و باطل را از هم جدا نموده و خوبی‌ها و بدی‌ها را پاداش و کیفر می دهد.»
محیی‌الدین بن عربی _ از بزرگان عرفا و مشایخ صوفیه _ ابیاتی درباره مهدی موعود علیه السلام سروده است:

هُوَ السَّيِّدُ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ هُوَ الصَّارِمُ هِنْدِي حِينَ يُبِيدُ

هُوَ الشَّمْسُ يُجَلُّو كُلَّ غَمٍّ هُوَ الْوَابِلُ الْوَسْمِيُّ حِينَ يَجُودُ

(ابن عربی، 1999: ج 1، 296)

ترجمه: «او، مهدی آل احمد است، و به هنگام نابودی [دشمنان] همچون شمشیر هندی است.

او آفتابی است که هر غم و اندوه و ظلمتی را برطرف می کند و هنگامی که جود و بخشش می کند؛ همانند اولین باران بهاری است که زمین‌های تشنه را سیراب می کند.»
بهاء‌الدین اربلی _ که یکی از نوابغ و دانشمندان کم‌نظیر جهان اسلام است _ نیز در کتاب ارزشمندش کشف الغمّه اشعار بسیاری در مدح امام عصر علیه السلام ذکر کرده است. او در یکی از قصاید خود در مدح امام عصر علیه السلام چنین می سراید:

امامٌ حَقٌّ نَوْرُهُ ظَاهِرٌ كَالشَّمْسِ فِي غَوْرٍ وَ فِي

القَائِمُ الْمَوْجُودُ وَالْمَنْتَمِي إِلَى الْعَلَى بِالْأَبِ وَالْجَدِّ

وَ نَاشِرُ الْعَدْلِ وَ قَدْ جَارَتْ الْإَيَّامُ وَ النَّاسُ عَنِ الْقَصْدِ

وَ الْمُنْصِيفُ الْمَظْلُومِ مِنَ وَالْمَلْجَأُ الْمَرْجُو وَ الْمَهْدِيُّ

(عبداللهی، 1419: 134 - 146)

ترجمه: «او امام برحقی است که نور وجود او، همچون آفتاب در پستی و بلندی ظاهر و آشکار است.

او قائم است که هم‌اکنون موجود است و نسب او به پدر و جدی والا منتهی می شود.

او گسترش دهنده عدالت است؛ درحالی که روزگار و انسان‌ها عمداً ستم می‌کنند. او داد مظلومان را از ظالم می‌ستاند و پناه امیدواران و ناامیدان است.»

بنابراین حضور امام عصر^{علیه السلام} در اشعار شاعران از سال‌ها پیش آغاز شده و از دیرباز در میان شاعران رواج داشته و شعرا در دوره‌های گوناگون و حتی پیش از ولادت امام عصر^{علیه السلام} به این موضوع پرداخته‌اند تا بدین وسیله ارادت خویش به ساحت این امام بزرگوار را ابراز دارند و به دفاع از عقاید خویش بپردازند. آن‌چه برای ما اهمیت دارد این است که این حضور با گذشت زمان نه تنها کم‌رنگ نشده، بلکه روزبه‌روز پررنگ‌تر گردیده است؛ بالأخص با شروع دوران معاصر رواج بیشتری داشته و شاعران گاهی در خلال اشعارشان و گاهی در سروده‌ای جداگانه به موضوع این منجی موعود پرداخته‌اند.

دامنه اشعاری که در چند قرن اخیر در این موضوع سروده شده بسیار گسترده و پرشمار است. از این‌رو پرداختن به این امر و و بررسی آن، نیازمند تلاش و تحقیقی گسترده است. در این نوشتار کوشیده‌ایم با بررسی اشعاری چند از برخی شاعران، گامی _ هرچند کوچک _ در این مسیر طولانی و بزرگ برداریم.

امام مهدی^{علیه السلام} در آینه شعر معاصر عربی

موضوع امام مهدی^{علیه السلام} گستره وسیعی از ادبیات شیعی را فراگرفته و شاعران معاصر نیز در این زمینه اشعار بسیاری سروده‌اند و به این قضیه از جوانب گوناگون پرداخته‌اند. شعر مهدوی در این عصر سرشار از امید و آرزوی لقای آن حضرت و فرارسیدن روز ظهور است. شاعران متعهد به اهل بیت^{علیهم السلام} با سرودن اشعاری درباره موضوعاتی همچون ولادت امام مهدی^{علیه السلام}، غیبت ایشان، انتظار و... ارادت خود را به ساحت مقدس ولی عصر^{علیه السلام} اظهار می‌دارند. آنان از فراگیر شدن ظلم و فساد و سلب حقوق شیعیان شکوه می‌کنند و بی‌صبرانه چشم به راه برپایی حکومت دادگستر جهانی هستند؛ برای تعجیل در فرج مولایشان دعا می‌کنند و از او خون‌خواهی خون به ناحق ریخته شده مولایشان امام حسین^{علیه السلام} را خواستارند.

در این نوشتار کوشیده‌ایم اشعار برخی از شاعران معاصر را در هفت بخش بررسی کنیم.

1. ولادت

در شب جمعه نیمه شعبان سال 255 قمری، چشم جهان به کودکی روشن شد که امروز بزرگ‌ترین امید و آرزوی بشر _ به‌ویژه مستضعفان و رنج‌دیدگان جهان _ است (مجلسی، 1384: ج 51، 2). جشن میلاد امام عصر^{علیه السلام} بزرگ‌ترین شادی شیعیان، جشن زنده شدن آرزوها و امیدها و

جشن آمادگی برای شرکت در نهضتی بزرگ و انسانی است. این روز _ که از جمله خجسته‌ترین اعیاد اسلامی است _ همواره گرمی داشته می‌شود و مردم در این روز ضمن به برپایی جشن‌های گوناگون با امام عصرشان تجدید میثاق می‌کنند. شاعران دوست‌دار امام عصر علیه السلام نیز از این عید بزرگ غافل نمانده و اشعاری درباره این موضوع سروده‌اند.

سید رضا هندی _ شاعر معاصر _ میلاد آن حضرت را به نوری هدایتگر تشبیه نموده و از آن به نهری برای تشنگان عدالت تعبیر می‌کند:

و مَوْلِدُهُ نَوْراً بِهْ يَشْرِقُ الْهَدْيِ وَ قَيْلَ لِيَطَّامِي الْعَدْلِ مَوْلِدُهُ

(موسوی هندی، 1988: 27)

ترجمه: «میلادش همچون نوری است که با آن هدایت و راهنمایی طلوع می‌کند و به تشنه عدالت گویند که میلادش همچون نهری سیراب‌کننده تشنگان است.»

گفتنی است بیت مذکور به تاریخ میلاد امام مهدی علیه السلام اشاره دارد. درباره میلاد آن حضرت دو قول وجود دارد: یکی این که ایشان در سال 256 قمری متولد شده‌اند و کلمه «نور» در صدر بیت به این سال اشاره دارد؛ چراکه مجموع حروف این کلمه با حساب تاریخ اجدی 256 می‌شود. قول دیگر این که ایشان در سال 255 چشم به جهان گشودند و کلمه «نهر» در پایان بیت به این تاریخ اشاره می‌کند؛ زیرا مجموع حروف آن 255 است.

سید حیدر حلّی نیز در سال‌روز میلاد آن حضرت در قصیده‌ای به مدح ایشان پرداخته و این میلاد خجسته را تبریک می‌گوید:

بُشْرَى فَمَوْلِدُ صَاحِبِ أُهْدِي إِلَيْكَ طَرَائِفَ
و يَطْلَعُهُ مِنْهُ مُبَارَكُهُ حَيِّ يُوَجِّهَكَ طَلْعُ الْبَدْرِ

(حلّی، 1984: 44)

ترجمه: «مژده که میلاد صاحب الزمان حضرت مهدی علیه السلام است، تازه‌ترین و شگفت‌ترین نویده‌ها را به تو هدیه می‌کنم.»

2. غیبت

غیبت و انتظار یکی از سنن تکاملی است که تاریخ برای بسیاری از امت‌های گذشته نشان می‌دهد. همواره در بین انسان‌ها، نهضت‌هایی به منظور آزادی از قید اسارت طاغوت‌ها صورت می‌گرفته و این نهضت‌ها توسط فرستادگان الهی، رهبری می‌شده است. اما توده مردم، به شایستگی از رهبر نهضت

قدردانی و طرفداری نمی‌کردند و قابلیت دریافت این نعمت بزرگ را نداشتند. در نتیجه رهبر برای مدتی از میان مردم غایب می‌شد. در طول مدت غیبت، مردم در اثر لمس کردن آثار شوم اسارت و طاغوت‌پرستی بیدار می‌شدند و وقتی به خود می‌آمدند و از روش عصیان و گناه و نافرمانی رهبر، توبه می‌کردند، رهبر به فرمان الهی در میان آنان آشکار شده، حق جویان را در طول مراحل نهضت، رهبری می‌کرد. این حقیقت را در تاریخ ادریس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی علیهم‌السلام و... مشاهده می‌کنیم (اختری، 1360: 30).

بنابراین اصل مسئله غیبت، مسئله‌ای جدید و انکارشدنی نیست؛ بلکه هرگاه جامعه‌ای صلاحیت و قابلیت پذیرش رهبری را نداشت، به امر و حکمت خداوند متعال مدتی رهبر از جامعه غایب می‌شد. با شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام دوران امامت امام عصر علیه‌السلام آغاز شد. عده‌ای معتقدند دوران غیبت صغرا نیز در همین زمان _ یعنی سال 260 قمری _ آغاز گردید. اما برخی برآنند که آغاز غیبت صغرا همان زمان تولد حضرت _ یعنی سال 255 _ بوده است. دوران غیبت صغرا تا سال 329 ادامه داشت و سپس دوران دیگری از حیات امام عصر علیه‌السلام آغاز شد که از آن به غیبت کبرا تعبیر می‌کنیم.

حسین الاکرف، در قصیده‌ای به مسئله غیبت صغرا اشاره کرده و بیان می‌دارد که ارتباط با امام علیه‌السلام در این دوران از طریق نواب اربعه (خاص) صورت می‌گرفته است:

و غِیْبَتِ الْغِیْبَةِ وَ كَانَ الْهَجْرُ قَتَالاً
وَقَدْ نَصَبْتُ نُوَاباً أَصَابُوا مِنْكَ مِنْوَالاً

(www.Alerfan.com)

ترجمه: «در دوران غیبت صغرا از نظرها غایب گشتی و هجران و فراق کشنده بود. افرادی را به نیابت از خود برگزیدی تا راه و روش را از تو برگیرند.»

مقدّرات الهی به گونه‌ای رقم خورده که خداوند _ از آن‌جا که زمین نباید هرگز از حجت او خالی بماند و قوام هستی به حضور و قیام حجت حق است _ برای حفظ جان حجت خویش آغاز امر واقعی غیبت حضرت ولی‌عصر علیه‌السلام را پیش از تولد آن حضرت در رحم مادر بزرگوارش نرجس‌خاتون مقدر نماید (حامدی، 1386: 11).

سید رضا هندی در قصیده‌ای با عنوان «الامام المهدی» به این مسئله اشاره می‌کند و در پاسخ به کسانی که پنهان شدن از ترس کشته شدن را جایز نمی‌دانند می‌گوید: چرا حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در لیلۃ المبیت، پس از گریختن از خانه و در مسیر هجرت به مدینه، در غار پنهان شد؟ چرا مادر موسی مأمور

شد موسی را به خاطر ترس از کشته شدن، در آب نیل بیندازد؟ این موارد به این معنا نیست که خداوند در یاری دینش ناتوان است، بلکه این عقیده همان کفر است و دلیل این غیبت ترس امام نیست؛ بلکه امر غیبت به امر و فرمان خدای تعالی و به خواست و اراده او تحقق یافته است:

وَ قَوْلِكَ إِنَّ الْإِخْتِفَاءَ مَخَافَةٌ مِنْ الْقَتْلِ شَيْءٌ لَا يَجُوزُهُ الْحَجَرُ
فَإِنْ قُلْتَ هَذَا كَانَ فِيهِمْ بِأَمْرٍ مَنْ لَهُ الْأَمْرُ فِي الْأَكْوَانِ وَالْحَمْدُ وَ

(موسوی هندی، 1988: 29)

ترجمه: «این سخن تو که: "پنهان شدن از ترس کشته شدن بوده است" جایز نیست. امر غیبت از میان مردم به فرمان کسی است که فرمان و حکم در هستی و حمد و سپاس از آن اوست.»

از دیگر فواید غیبت امام عصر^{علیه السلام} آزمایش مردم است. سید رضا هندی نیز در قصیده‌اش ابیاتی را به این موضوع اختصاص داده و تأخیر در ظهور را بر اساس حکمت خداوندی می‌داند و با استلزام از حدیث مذکور، این غیبت را آزمایشی برای بندگان ذکر می‌کند تا نیکوکاران و بدکاران از هم باز شناخته شوند و برای صابران اجری عظیم برمی‌شمرد. در ضمن بیان می‌دارد که این آزمایش برای علم و آگاهی یافتن خداوند به اعمال نیک و بد بندگان نیست؛ زیرا او بر هر آشکار و نهانی داناست، بلکه بندگان را می‌آزماید تا بدی‌شان بر خودشان آشکار گردد و عذر و بهانه‌ای نداشته باشند:

فَإِنَّ أَخَرَ اللَّهُ الظُّهُورَ لِحِكْمَةٍ بِهِ سَبَقَتْ فِي عِلْمِهِ وَ لَهُ
فَكَمْ مِحْنَةٍ لِلَّهِ بَيْنَ عِبَادِهِ يُمَيِّزُ فِيهَا فَاجِرَ النَّاسِ وَالْبَرِّ

(همو: 30)

ترجمه: «خداوند امر ظهور را بنا به حکمتی که خود از قبل بدان آگاه بود، به تأخیر انداخت و حکم و فرمان از آن خداوند است. و چه بسیار آزمایش‌هایی که خداوند بندگان را بدانها آزمود تا بدانشان را از نیکانشان جدا سازد.»

3. انتظار

انتظار از دیدگاه لغوی، به معنای چشم به راه بودن، و نوعی امید به آینده داشتن است. در اعتقادات شیعه، انتظار امیدی به آینده‌ای نویدبخش و سعادت‌آفرین است که در آن به رهبری امامی بزرگوار، جهان از مفاسد و بدبختی‌ها رهایی یافته و راه خیر و صلاح، آسایش و امنیت را در پیش گیرد (قائمی، بی‌تا: 13).

در اهمیت انتظار همین بس که پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام آن را برترین عبارت برشمرده‌اند. امام علی علیه السلام فرمودند:

أَنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ؛ (مجلسی، 1384: ج 52، 123)

منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید نشوید؛ زیرا خوشایندترین اعمال نزد خداوند انتظار فرج است.

امام صادق علیه السلام در حدیثی آنان را که در زمان غیبت امام، منتظر ظهور اویند و در هنگام ظهورش فرمانبردار او، اولیای خدا می‌داند؛ همان‌ها که نه ترسی بر ایشان هست و نه اندوهگین می‌شوند:

طُوبَى لَشِيعَةِ قَائِمِنَا، الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ (همو: 150)

چشم به راه بودن، یا انسان را به غربت و انزوا می‌کشاند، یا باعث حرکت و پویایی و اقدام برای آمادگی بیشتر می‌شود. بی‌تردید منظور از انتظار، همان چشم به راه بودن همراه با حرکت و پویایی است و این نوع انتظار، سازنده است.

شاعران معاصر نیز با ذکر دردها و مشکلات و مصائبشان، از انتظار خود برای رسیدن دستی از غیب سخن به میان می‌آورند و تحقق حکومت حق و عدل را چشم به راهند. در بخش فراگیر شدن ظلم و فساد و انتظار برای برپایی حکومت حق و عدل، به این دسته از اشعار اشاره خواهیم کرد.

هاشم السهلائی، امام مهدی علیه السلام را با عنوان امید و آرزوی مورد انتظار مورد خطاب قرار می‌دهد و ایشان را به خورشیدی تشبیه می‌کند که افول و غروبی ندارد:

فَيَا مَهْدِي يَا أَمَلًا وَ يَا شَمْسًا تَجَبَّهَهَا
عَلَى عَهْدِ نَظِيلٍ وَ يُسَدِّدُ خَطُونَا أَمَلًا

(www.Sibtayn.ir)

ترجمه: «ای مهدی، ای امید منتظر و ای خورشیدی که افول و غروبی ندارد. مدت‌زمانی است که با انتظار عمر سپری می‌کنیم و امید و آرزویی زیبا گام‌هایمان را سوق می‌دهد.»

حسین الاکرف نیز از رنج و حزن و اندوه پیوسته‌اش در دوران غیبت سخن می‌گوید و چنین می‌سراید:

عَزِيزُ أَنْ نَرَى الْخَلْقَ وَ لَا تُرَى

مَتَى تَرَانَا... مَتَى تَرَانَا... مَتَى نَرَاك!
حَنِينٌ لَا يُجَاوِزُنَا... وَ حُزْنٌ لَيْسَ يَنْسَانَا
(www.Alerfan.com)

ترجمه: «سخت است که همه را ببینیم و تو را نه. کی به دیدارمان می آیی و ما تو را به نظاره می نشینیم؟»

اشتیاق و میلی ما را رها نمی کند و از ما دور نمی شود و اندوهی ما را به فراموشی نمی سپارد. سیدرضا هندی نیز در اولین ابیات قصیده «امام مهدی» خویش، از امید و آرزوی خویش در راه وصال سخن می گوید؛ امیدی که گذشت روزگاران آن را مأیوس نمی کند. شاعر وجود امام را در همه جا حاضر می داند و _ چنان که گذشت _ از ایشان به خورشید پشت ابر تعبیر می کند؛ از طولانی شدن زمان فراق و غیبت سخن به میان می آورد و از این که از دیدار روی همچون ماه ایشان محروم مانده است می نالد، ولیکن در بیت پنجم چنین بیان می دارد که اگر انتظار فرارسیدن روز موعودی نبود، صبر و بردباری برایش غیرممکن بود:

تَمَادَى زَمَانُ الْبُعْدِ وَ اِمْتَدَّ لَيْلُهُ وَ مَا أَبْصَرْتَ عَيْنِي مُحْيَاكَ يَا
وَ لَوْ لَمْ تُعَلِّلْنِي بِوَعْدِكَ لَمْ يَكُنْ لِيَأْلَفَ قَلْبِي فِي تَبَاعُدِكَ الصَّبْرُ

(موسوی هندی، 1988: 26)

ترجمه: فراق به درازا کشید و شبش طولانی شد و چشمم از دیدار چهره همچون ماهت محروم ماند.

و اگر وعده ظهورت نبود قلبم در دوری تو تاب و تحمل نمی آورد.»

4. بهره مندی مردم از وجود امام عصر علیه السلام در زمان غیبت

در روایات وجود مقدس امام غایب، به خورشید پشت ابر تشبیه شده است؛ یعنی مردم همان گونه که از خورشید پشت ابر بهره مند می گردند، از نور وجود امام زمان علیه السلام در روزگار غیبتش بهره می برند. چنین روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ به این سؤال که آیا شیعه در زمان غیبت از امام مهدی علیه السلام بهره مند می شوند، فرمود:

إِي وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ إِنَّهُمْ لَيَنْتَفِعُونَ بِهِ وَ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِ وَ آيَاتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَ إِنْ جَلَّتْهَا السَّحَابُ؛ (مجلسی، 1384: ج 52، 93)

آری، سوگند به آن که مرا به رسالت مبعوث کرد، همانا شیعه از او بهره‌مند می‌شوند و از نور ولایتش در زمان غیبت ایشان بهره‌مند می‌گردند، همان‌گونه که مردم از خورشید پشت ابر بهره‌می‌برند.

شاعران نیز با الهام‌گیری از این حدیث شریف، از این تشبیه غافل نمانده و در اشعار خود امام عصر علیه السلام را به خورشید تعبیر کرده‌اند. سید رضا هندی، امام را همچون خورشیدی می‌داند که از جایگاهش دور شده، ولی همچنان می‌تابد و همه‌جا و همه‌چیز را از تابش خویش بهره‌مند می‌سازد:

وَمَا أَنْتَ إِلَّا الشَّمْسُ يُنَآئِي وَ يَشْرِقُ مِنْ أَنْوَارِهَا الْبَرُّ وَ الْبَحْرُ

(موسوی هندی، 1988: 26)

ترجمه: «تو همچون خورشیدی هستی که از جایگاهش دور شده است، ولی انوار آن در خشکی و دریا می‌تابد.»

هاشم السهلانی نیز امام را با عبارت شمس السحاب (خورشید پشت ابر) خطاب می‌کند و با ایشان به درد دل می‌نشیند و از گرفتاری‌ها و مشکلات عصر غیبت سخن می‌گوید:

فَيَا شَمْسَ السَّحَابِ أَجِزْ وَ هَلْ يُرْجَى لِعَيْرِكَ مَا أَقُولُ
عَدَوْنَا مِنْ غِيَابِكَ فِي بَلَاءٍ تَخَطَّفَنَا الضَّعَائِنُ وَ الذُّحُولُ

(www.Sibtayn.ir)

ترجمه: «ای خورشید پشت ابر، سخنم را کوتاه کن و آیا آنچه می‌گویم به‌جز تو از کسی امید می‌رود؟

از نبودت در سختی و بلا افتادیم و دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌ها ما را به غفلت واداشت.»
5. خون‌خواهی و انتقام

انتقام گرفتن از دشمنان اهل بیت علیهم السلام و اجرای عدالت از مهم‌ترین مأموریت‌های حضرت به شمار می‌رود. «منتقم» یکی از القاب آن حضرت است و انتقام خون به ناحق ریخته‌شده امام حسین علیه السلام را می‌گیرد. در روایات نیز به این مسئله اشاره شده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ مَا كَانَ ضَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ قَالَتْ: يَا رَبِّ يُفْعَلُ هَذَا بِالْحُسَيْنِ صَفِيِّكَ وَ ابْنِ نَبِيِّكَ. قَالَ: فَأَقَامَ اللَّهُ لَهُمْ ظِلَّ الْقَائِمِ علیه السلام وَ قَالَ: بِهَذَا أَنْتَقِمُ لَهُ مِنْ ظَالِمِيهِ؛
(مجلسی، 1384: ج 51، 68)

در آن ساعتی که دشمنان، حسین علیه السلام را به قتل رساندند، فرشتگان در حالی که ناله سر داده بودند، خطاب به پروردگار عرض کردند: پروردگارا، آیا با حسین برگزیده و فرزند پیامبرت چنین می‌کنی؟ آن‌گاه خداوند متعال شبح قائم را به آنان نشان داد و پس از اشاره به آن فرمود: این قائم از دشمنان حسین علیه السلام انتقام خواهد گرفت.

در دو فراز از فرازهای زیارت عاشورا نیز از خداوند، خون خواهی حسین علیه السلام با یاری امام عصر علیه السلام را می‌طلبیم. ۱.

حسین الاکرف در شعرش حضرت را با عنوان «ابا الثار» خطاب می‌کند:

عَلَّامَاتُنَا حُرْمَةُ الدِّينِ فِي الْأَرْضِ
عَلَّامَاتُنَا شِيعَةُ الْأَلِّ بِالْقَهْرِ مَطْلُومَةُ
وَ مِنْ حَقِّهَا أَصْبَحَتْ يَا أبا الثَّارِ مَحْرُومَةُ

(www.alerfan.com)

شعار یاران حضرت در هنگام خون خواهی، «یا لثارات الحسین» است (مجلسی، 1384: ج 52، 208).

سید حیدر حلی در خطاب به امام زمان علیه السلام به ذکر مصائب سید الشهداء علیه السلام می‌پردازد. او از واقعه عظیم و فجیع دشت کربلا سخن می‌گوید و از امام منتظر می‌خواهد که انتقام خون شهید کربلا را بگیرد:

وَ اطْلُبْ بِهِ بِدَمِ الْقَتِيلِ بِكِرْبَلَاءَ فِي خَيْرِ شِيعَةٍ
مَاذَا يُهَيِّجُكَ إِنْ صَبَرَ تَلَوْعَةَ الطَّفِّ

(حلی، 1984: 90)

1. فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ أَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ... فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ وَ رَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِي مَعَ إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ.

ترجمه: «به خون خواهی کشته دشت کربلا به پاخیز! اگر در برابر ماجرای فجیع کربلا صبر کنی، پس کدام امر مهم تو را برمی‌انگیزد؟»

6. طلب ظهور امام زمان علیه السلام و دعوت به قیام

برخی شاعران معاصر در عصر غیبت، در لابه‌لای اشعارشان به شکایت از وضع موجود و بیان ظلم و ستم‌هایی که در حق مسلمانان شده و هتک حرمت‌هایی که به شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام شده است می‌پردازند و از دردها و رنج‌هایی که امام عصر علیه السلام به سبب نظاره کردن این صحنه‌ها متحمل می‌شوند، سخن می‌رانند. آنان ملتسمانه از امام عصر علیه السلام می‌خواهد که در ظهور تعجیل فرماید و اساس ظلم و ستم و طغیانگری را از ریشه برکند و عدل و عدالت را حکم فرما نماید. حسین الاکرف از مصائب شیعیان و بی‌حرمتی‌هایی که نسبت به آنان صورت گرفته سخن به میان می‌آورد. او از ویران شدن گنبد عسکریین علیهم السلام در سامرا می‌گوید و مظلومیت شیعه را یادآور می‌شود؛ چراکه از حقش محروم مانده است:

تَخَيَّلْتُ خَارِطَةَ الدُّنْيَا	وُكُلُ الحُدُودِ عِلَامَاتُ
عِلَامَاتِنَا قُبَّةُ العَسْكَرِيِّينَ مَهْدُومَةٌ	عِلَامَاتِنَا حُرْمَةُ الدِّينِ فِي الأَرْضِ
عِلَامَاتِنَا شِيعَةُ الأَلِّ بالقَهْرِ مَظْلُومَةٌ	وَمِنْ حَقِّهَا أَصْبَحَتْ يَا أبا النَّارِ

(www.alerfan.com)

ترجمه: «نقشه دنیا را تصور کردم و تمام مرزها نشانه است. نشانه ما ویرانی گنبد عسکریین علیهم السلام است. نشانه ما هتک حرمت دین در روی زمین است. نشانه ما مظلومیت شیعه و محرومیت آنان از حقوقشان است.»

نشانه ما هتک حرمت دین در روی زمین است. نشانه ما مظلومیت شیعه و محرومیت آنان از حقوقشان است.»

شاعر از عراق می‌گوید؛ سرزمینی که همه‌اش سوخته است و زخم کهنه‌ای بر دل دارد؛ چراکه سال‌ها پیش شاهد شهادت حسین علیه السلام و یارانش بوده است؛ سرزمینی که همه‌اش درد و رنج است و دشمنان بر آن حکم می‌رانند:

أَذْرِكِ العِرَاقَ / كُلُّهَا إِخْتِرَاقُ / مَوْطِنُ دَبِيحٍ وَ شَعْبُ يَتِيمٍ
دَمْعُهَا مُرَاقٍ / مَاتَتْ إِشْتِيَاقُ / وَ هِيَ فِيكَ تَارٌ وَ جُرْحٌ قَدِيمٌ

(www.alerfan.Com)

ترجمه: «عراق را دریاب، همه‌اش سوخته است؛ موطنی است ذبح شده و ملتی یتیم دارد. اشک‌هایش جاری است، شوق مرده و در تو خون و زخمی قدیمی دارد.»

الاکرف درجایی دیگر، باز قیام حضرت را خواهان است. این بار از امام خویش می‌خواهد تا بیاید و مرهمی برای دردهای یتیمان و مادران فرزند از دست داده باشد:

أَمُرُّرُ عَلَیْهَا كَفًّا مِنْ حَنَانِ
فَوْقَ الْيَتَامَى يَا قَلْبَ الزَّمَانِ
قُمْ لِلشُّكَا لِي فِي الدُّنْيَا
وَ الْجُرْحُ مِنْهَا فِي كُلِّ مَكَانِ

(www.Alerfan.Com)

ترجمه: «ای قلب روزگار، با دستان مهربانت، سر یتیمان را نوازش کن. و برای مادران فرزند از دست داده‌ای که در دنیا رنج می‌برند و زخم و دردشان در همه جا هست، به پا خیز.»

عبد الله القرمزی نیز به بیان ظلم و ستمی که در حق شیعیان شده می‌پردازد و این که دیگر توان صبر بر این مصائب را ندارد:

فَشِيَعَتِكُمْ عَلَى الدُّنْيَا عَلَى طَاخُونَةِ الظُّلْمِ
فَمِنْ سِجْنٍ إِلَى وَ مِنْ سَيْفٍ عَلَى
وَ مِنْ رُزْءٍ إِلَى رُزْءٍ وَ مِنْ هَمٍّ إِلَى هَمٍّ
تَعَبْنَا سَيِّدِي صَبْرًا وَ أَنْتَ بِنَا عَلَى عِلْمٍ

(www.m-mahdi.Com)

ترجمه: «آسیاب ظلم بر سر شیعیان شما در دنیا می‌گردد. از زندانی به زندان دیگر برده می‌شوند و با شمشیر یا زهر کشته می‌شوند. از دست مصیبتی به مصیبتی دیگر، از غمی به غمی دیگر می‌افتند. آقای من، خسته شدیم و صبر از کف دادیم و تو خوب از احوال ما آگاهی.»
سید جعفر حلی از امام عصر علیه السلام طلب قیام می‌کند تا انتقام خون‌های اجدادش را از ظالمان بگیرد:

أَدْرِكُ تَرَاتِكُ أَيُّهَا فَلَكُمْ بِكُلِّ يَدٍ دَمٍ

(حلی، 1991: 255)

ترجمه: «ای که مورد ظلم قرار گرفته‌ای، انتقام خود را بگیر که خون [اجداد] شما به دست افراد مختلفی ریخته شده است.»

شاعر در ادامه، امام عصر علیه السلام را ولی دم تمام کشته‌شدگان مظلوم می‌داند و ایشان را پیروز بر دشمنان معرفی می‌کند:

أَنْتَ الْوَلِيُّ لِمَنْ يَظْلَمُ قَتِلُوا وَ عَلَى الْعِدَى سُلْطَانُكَ

(همو)

ترجمه: «تو مولا و سرور کسانی هستی که ظالمانه کشته شدند و بر دشمنان پیروزی.»
سید حیدر حلی نیز در قصیده خود با عنوان «الله یا حامی الشریعة» امام مهدی علیه السلام را زنده کننده شریعت می‌داند و از ایشان می‌خواهد که برای فریادرسی به دل‌های بی‌تاب مسلمانان به پا خیزد:

مَاتَ التَّصَبُّرُ فِي إِنْتِظَارِهَا رَكَ أَيُّهَا الْمُخَيَّرُ
فَأَنْهَضُ فَمَا أَبْقَى غَيْرَ أَحْشَاءٍ جَزُوعَهُ

(حلی، 1984: 89)

ترجمه: «ای زنده کننده دین، صبر و شکیبایی در انتظارت به سر رسید. به پا خیز که جز دل‌های بی‌قرار و بی‌شکیب برایمان باقی نمانده است.»

ملاحظه کردیم که شاعران این دوران _ که از ظلم و جور زمانه به تنگ آمده‌اند _ دست به قلم برده و از وضعیت نابسامان جوامع شکوا کرده‌اند و _ همان‌طور که در اشعارشان پیداست _ آنان تنها یک راه را برای نجات خویش و دیگر مردم زمانه پیش روی خود می‌بینند و آن هم چیزی نیست جز ظهور امام زمانشان. از این رو ملتمسانه و عاجزانه از خدای خویش تعجیل در ظهور مولا ایشان را می‌طلبند تا به پا خیزد، حق مظلومان را بازستاند، ظالمان را به خاک دلت نشاند، حکومتی سرشار از عدل و داد را بنیان نهد و آنان را از این وضعیت رنج‌آور و تأسفبار رهایی دهد.

7. برپایی حکومت عدل

از جمله مهم‌ترین اقدامات امام عصر علیه السلام پس از ظهور، برپایی حکومتی مبتنی بر عدل و داد الهی است. ایشان بساط ظلم و جور را در هم خواهد پیچید و دنیایی آکنده از عدالت، راستی و درستی، محبت و دوستی و معرفت را محقق خواهد ساخت.

آری؛ عدالت، مهم‌ترین شعار مهدویت است. همه مردم _ به‌ویژه ستم‌دیدگان و مظلومان جهان _ چشم در انتظار ظهور موعودی به سر می‌برند تا ظلم و ستم و طغیانگری را ریشه‌کن

کند و عدل و عدالت را حکم فرما نماید. امام رضا علیه السلام از برپایی ترازوی عدل آن حضرت یاد می‌کند و می‌فرماید:

فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتْ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا؛ (مجلسی، 1384: ج 52، 322)

آن هنگام که [مهدی علیه السلام] ظهور نماید زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و ترازوی عدالت را در میان مردم قرار می‌دهد و هیچ‌کس به دیگری ستم نمی‌کند.

همچنین از برکات وجود شریف آن حضرت این است که امنیت را در زمین منتشر می‌کند تا این که آرامش کلی را بین همه موجودات متضاد یعنی انسان و حیوانات و وحوش برقرار می‌کند؛ نفاق و دشمنی در میان همه از بین می‌رود؛ وحوش، مارها و دیگر جانوران در کنار هم با انسان‌ها زندگی می‌کنند و هیچ‌یک از دیگری آسیبی نمی‌بینند و به دیگری آسیبی نمی‌رسانند (حسینی، 1985: 278).

شاعران منتظر نیز که چشم‌انتظار برپایی حکومت جهانی مهدی موعود هستند در این باره اشعاری سروده‌اند.

سید رضا هندی با وجود طولانی شدن زمان غیبت، به طلوع فجر ظهور منجی موعود امیدوار است؛ همان قائمی که بساط جور را درهم می‌پیچد و عدالت را جایگزین آن می‌کند:

و إِنَّ زَمَانَ الظُّلْمِ إِنْ طَالَ لَيْلُهُ فَعَنْ كَتَبٍ يَبْدُو بِظُلْمَائِهِ الْفَجْرُ
وَ يَطْوِي بَسَاطَ الْجَوْرِ فِي عَدْلِ لِأَلْوِيَةِ الدِّينِ الْحَنِيفِ بِهِ نَشْرُ
هُوَ الْغَائِبُ الْمَأْمُولُ يَوْمَ ظُهُورِهِ يُلَبِّيهِ بَيْتُ اللَّهِ وَالرُّكْنُ وَالْحَجْرُ

(موسوی هندی، 1988: 26)

ترجمه: «اگر شب تاریک ظلم به درازا کشد، به زودی سپیده‌دم از پس تاریکی‌ها آشکار می‌شود.

و بساط ظلم و جور در برابر عدالت سروری که دین راستین را می‌گستراند، برچیده می‌شود. او همان غایبی است که روز ظهورش آرزوی همه است؛ همو که بیت الله و رکن و حجر لیبیک‌گوی اویند.»

شاعر در ادامه چشم به راه فرارسیدن روزی است که امامش ظهور کند و احسان، نیکی، محبت، لطف و بخشش را در میان مردم گسترش دهد:

وَإِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يُحِينَ ظُهُورُهُ
لِيُنْتَشِرَ الْمَعْرُوفَ فِي النَّاسِ وَ

(همو: 30)

ترجمه: «و من امید دارم که ظهورش فرا می‌رسد و نیکی‌ها را در میان مردم می‌گستراند.»
شاعر از امام می‌خواهد زمین را از هر بدی و پلیدی پاک و مطهر سازد و انتقام خون‌های ریخته شده را بستاند:

وَ تَشْقَى بِهِ أَعْنَاقُ قَوْمٍ تَطَوَّلَتْ
فَتَأْخُذُ مِنْهَا حَظَّهَا الْبَيْضُ وَ

(همو)

کاظم الزاملی با به‌کارگیری فرازی از دعای ندبه خطاب به امام عصر علیه السلام چنین بیان می‌دارد:

أَنْتَ الْمُعِدُّ لِقَطْعِ ذَائِبِ ظَالِمٍ
وَمَلَأْدُ كُلِّ الْمُتَّقِينَ لَوَاكَا

يَا مَالِي الدُّنْيَا بِنُورِكَ بَعْدَ مَا
سَادَ الظُّلَامُ وَ اتَّخَمَتِ أَشْوَا

يَا هَادِمًا مُدْنِ الضَّالَّالَةَ
وَ مُعْزًا كُلِّ الْمُدْقَعِينَ عَطَاكَ

(www.Sibtayn.ir)

ترجمه: «شما برای برکندن ریشه ظالمان و ستمگران مهیا گردیده‌ای؛ پرچم شما پناه همه پرهیزکاران است.

و پس از آن که تاریکی همه‌جا را فراگیرد شما دنیا را از نور سرشار خواهی ساخت.

گمراهی و هلاکت را از بین خواهی برد و عطا و بخشش شما ذلیلان را عزیز خواهد گردانید.»

نتیجه

اعتقاد به ظهور منجی در آینده بشر و در پایان تاریخ، از آرمان‌های مشترک تمامی ادیان و اقوام و

ملل مختلف جهان است. منجی و موعودی که بساط ظلم را برچیند و حکومتی سرشار از عدل و داد را

به ارمغان آورد. موعود مسلمانان نیز مهدی منتظر علیه السلام است. این اندیشه و اعتقاد به ظهور منجی، در

آینه شعر عربی نیز نمایان گشته و «مهدویات» گستره وسیعی از ادبیات شیعی را فرا گرفته است.

شاعران معاصر با سرودن اشعاری، ارادت خالصانه خود را به ساحت مقدس حضرت بقیة الله

الاعظم علیه السلام ابراز می‌دارند. شاعران این دوره از ولادت امام عصر علیه السلام سخن می‌گویند و با اشعارشان

این خجسته میلاد را گرامی می‌دارند و به یکدیگر شادباش و تهنیت می‌گویند. حتی برخی آن را نعمتی

عظیم برمی‌شمرند که هیچ کس را توان شکرگزاری آن نیست.

غیبت امام، یکی دیگر از موضوعات اشعار این شاعران است. آنان از انواع غیبت و فواید آن سخن به میان می‌آورند؛ از حزن و رنجوری و سرگردانی خویش در دوران غیبت می‌گویند و در فراق، گریه سر می‌دهند و ندبه می‌کنند. اما ایمان به منجی غایب، جرقه امیدی در درونشان است. از این رو ناامید نمی‌شوند و بی‌صبرانه در انتظار مولایشان زمانه را سپری می‌کنند و می‌دانند که همانا بعد از هر سختی، آسانی است.

شاعران در اشعارشان از امام عصر^{علیه السلام} با عنوان و لقب «خورشید» یاد می‌کنند؛ چرا که در احادیث خوانده‌اند که بهره‌مندی از امام^{علیه السلام} در عصر غیبت همچون بهره‌مندی از خورشید پشت ابر است. شاعران از مصیبت عظیم کربلا می‌گویند و از امام عصر^{علیه السلام} عاجزانه طلب می‌کنند به‌پا خیزد و تقاص خون به ناحق ریخته شدهٔ مولا و سرورشان امام حسین^{علیه السلام} و یاران باوفایش را باز ستاند؛ زیرا شیعه همچنان عزادار و سیه‌پوش مولایش حسین^{علیه السلام} است و داغی کهنه و بزرگ از آن مصیبت عظیم بر سینه دارد.

شاعران از ظلم و جور زمانه به محضر ولی عصر^{علیه السلام} شکوه می‌کنند؛ از ظلم‌هایی که در حق مسلمانان شده و هتک حرمت‌هایی که به شیعیان می‌شود سخن می‌رانند. آنان مظلومیت شیعه را یادآور می‌شوند و امام^{علیه السلام} را دعوت به قیام می‌کنند.

شاعران به طلوع فجر ظهور منجی موعود امیدوارند؛ همان موعودی که یکی از مهم‌ترین اقداماتش پس از ظهور، برپایی حکومتی مبتنی بر عدل و داد است. آنان پس از سرایش شعر دربارهٔ فراگیری ظلم و ستم و طلب ظهور حضرت، از جامعه و حکومتی سرشار از عدل و داد، راستی و درستی و امنیت و پاکی سخن می‌گویند؛ چرا که می‌دانند پایان و نهایت تاریکی و سیاهی، نور و روشنایی است.

منابع

- ابن عربی، محمد بن علی، دیوان الاکبر، بیروت، دارالکتب العلمیة، 1999م.
- اختری، عباسعلی، نقش انتظار در سیر تاریخ، تهران، انتشارات موسسه الامام المهدی، 1360ش.
- اسدی، کمیت بن زید، دیوان، تدوین: محمد نبیل الطریفی، بیروت، دارصادر، 2000م.
- امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، قم، انتظارات شفق، چاپ چهارم، 1379ش.
- حامدی، محمدمهدی، دشمنان مهدویت، چرا و چگونه، تهران، نسل کوثر، 1386ش.
- حسینی، سید جواد سید حسین، الامام المهدی و ظهوره، کویت، السالمیة، مکتبه دار الارشاد، 1985م.
- حلی، سید جعفر، سحر البابل و سجع البابل، تحقیق: محمد حسین آل کاشف الغطاء، قم، منشورات الرضی، 1991م.
- حلی، سید حیدر، دیوان، تحقیق: علی خاقانی، بیروت، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1984م.
- خزاعی، دعبل، دیوان، تحقیق: عبدالصاحب الدجیلی، قم، منشورات الشریف الرضی، 1972م.
- سیاحی، صادق، الادب الملتزم بحب اهل البيت، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، 1385ش.
- صدر، سید محمدباقر، امام مهدی علیه السلام حماسه‌ای از نور، ترجمه و تصحیح: کتابخانه بزرگ اسلامی، تهران، انتشارات مؤسسه الامام المهدی، 1398ق.
- عبداللهی، محمود، سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، 1419ق.
- قائمی، علی، نگاهی به مسئله انتظار، قم، انتشارات هجرت، بی تا.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، المکتبه الاسلامیه، 1384ق.
- موسوی، سیدمحمد، سپیده دم ظهور حکومت جهانی، قم، انتشارات مشهور، 1384ش.
- موسوی هندی، سید رضا، دیوان، ترجیع و تعلیق: عبدالصاحب موسوی، بیروت، دار الاضواء، 1988م.